

در این شماره سراغ آثار برگزیده یکی از معروف‌ترین جوایز ادبی رفته‌ایم و نگاهی به برخی از برگزیدگان آن داشته‌ایم

# همراه با آلفرد نوبل، همگام با نوبلیست‌ها

جایزه نوبل ادبیات یکی از پنج جایزه نوبل است و هر سال به نویسنده‌ای داده می‌شود که به گفته آلفرد نوبل، برجسته‌ترین اثر با گرایش آرمانخواهانه را نوشته باشد. منظور از «اثر» معمولاً مجموعه کارهای نویسنده است، گرچه گاه در متن مربوط به جایزه از آثار مشخص نیز نام برده شده است. بر اساس وصیت‌نامه آلفرد نوبل، جایزه هر سال باید به کسی اعطا شود که «در حوزه ادبیات، برجسته‌ترین مجموعه آثار را در جهت آرمانی یا ایده‌آل» خلق کرده باشد. آکادمی سوئد برنده را تعیین کرده و در اوایل اکتبر هر سال آن را اعلام می‌کند. موضوع پرونده این شماره قفسه کتاب را به نوبل اختصاص دادیم چراکه امسال و به‌خاطر کرونا، برگزاری این مراسم لغو شد. ما هم سراغ آثاری رفته‌ایم که در سال‌های گذشته مستحق دریافت نوبل شده‌اند.

## تعبیر وارونه یک رویا

**نعیمه سیلوری:** «زندگی هر شخص باید با فرصت‌هایی که او بنا بر قابلیت‌ها یا موفقیت‌هایش و فارغ از طبقه اجتماعی یا شرایط زاده شدنش به وی داده می‌شود غنی‌تر و کامل‌تر شود.» این جمله‌ای است از جیمز تراسلو، تاریخ‌نگار آمریکایی در تعریف مفهوم «رویای آمریکایی» آمریکا برای عبور از مشکلات و آثار بحران اقتصادی در دهه ۳۰ میلادی، نیاز داشت برای جذب نیروی کار و سرمایه، تصویر یک آرمانشهر از خود را به دنیا نشان دهد. سرزمینی رویایی که مهاجران آن هیچ تاریخ و اسطوره مشترکی با هم نداشتند تا بتوانند تحت تأثیر آن به ملتی برای شکوفایی جمعی تبدیل شوند. رویای آمریکایی اساسی‌ترین و تنهاترین اسطوره مشترک میان ساکنان ایالات متحده است. از دهه ۳۰ میلادی به بعد، همین مفهوم پایه بسیاری از آثار هنری و ادبی شد و تولیدات سینمایی و رسانه‌ای نیز تا به امروز در حال بازتولید آن برای مردم هستند. با تمام این تلاش‌ها و دقیقاً همزمان با تعریف و تبیین جیمز تراسلو از رویای آمریکایی با همان رویای کالیفرنایی، «جان اشتاین بک» که خود اهل کالیفرنیا بود کتاب «خوشه‌های خشم» را نوشت.

این کتاب داستان زندگی خانواده‌ای است که برای فرار از مشکلات اقتصادی و برای ساختن زندگی بهتر، راهی کالیفرنیا می‌شوند. نویسنده سعی کرده مانند توفانی به ذهن خواننده سیلی بزند و هر آنچه از آرمانشهر آمریکا در تصور دارد را خراب کند. اسطوره‌سازی از رویای آمریکایی همواره تلاش می‌کند تا نشان دهد افراد در هر جایگاهی تنها با تلاش می‌توانند به خوشبختی و آزادی برسند. در مقابل نویسنده کتاب خوشه‌های خشم با روایتی مستندگونه سعی کرده واقعیتی تلخ از فاصله طبقاتی میان کارگران و سرمایه‌داران را نشان دهد. این کتاب بعد از گذشت حدود ۸۰ سال از نگارش آن با تمام تحریم‌ها و ممانعت‌ها در چاپ، هنوز هم برای هر خواننده‌ای جذاب و تأثیرگذار است. خوشه‌های خشم را بعد از دیدن هر اثر هنری از شکوه پوشالی آمریکا ورق بزنید!

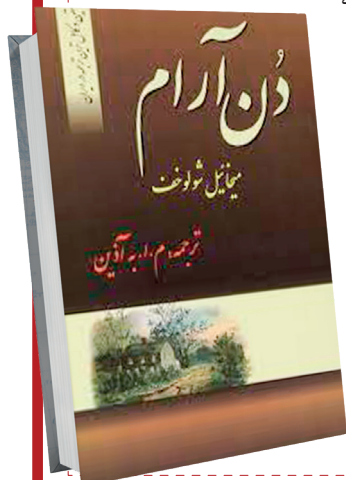


## تعظیم به یک کلاسیک استخوان‌دار

**محمدصادق علیزاده:** لذت خواندن یک اثر کلاسیک. همین اول کار این را بگوییم که خواندن آثار نوبلیست‌ها از یک طرف، خواندن کلاسیک‌های دنیای ادبیات از یک طرف دیگر و در نهایت هم ضربه‌فنی کردن کلاسیک‌های دوره‌ای چند جلدی کار هر کسی نیست. دُن آرام یک نوبلیست روسی به نام میخائیل شولوخوف هم از این قاعده مستثنا نیست. این را از این جهت گفتیم که اگر مخاطب جدی ادبیات و رمان و داستان نیستید، اصلاً و ابداً حداقل سراغ این اثر نروید. این قبیل آثار را می‌توان جزو آثار جدی محسوب کرد که طبعاً در حوصله و مقال و زمان و توان خوره‌های جدی عالم ادبیات است. این یک!

دو دیگر آن‌که دُن آرام یک دوره رمان چهار جلدی است. این عبارت یعنی چه؟ دُن یکی از مهم‌ترین رودخانه‌های مهم روسیه است با طول تقریباً ۲۰۰۰ کیلومتر! رمان درباره خانواده‌ای است ساکن حاشیه دن. زمان داستان هم برمی‌گردد به انقلاب اکتبر روسیه. تاریخ شمس‌اش را خواسته باشید می‌افند حوالی پاییز ۱۲۹۶ هجری شمسی. زمانی که روسیه تزاری دچار تلاطم‌های انقلاب شد و قدرت به دست بلشویک‌ها افتاد. این وسط یک خانواده روستایی روسی از طبقه پایین زندگی‌شان در این تلاطم‌ها بالا و پایین می‌شود.

نکته سوم هم این‌که این رمان آینه و تصویر جذابی از طبقه پایین اجتماعی آن روزهای روسیه هم محسوب می‌شود برخلاف آثار نویسندگانی مانند تولستوی که درام داستانی خود را معمولاً در میان طبقه اشراف روایت می‌کنند. از دُن آرام تاکنون سه ترجمه فارسی منتشر شده: احمد شاملو، محمود به‌آذین و منوچهر بیگدلی خنمسه. جالب این‌که هیچ‌کدام‌شان هم از زبان اصلی روسی نبوده. نظر ما را خواسته باشید ترجمه به‌آذین به نسبت دو ترجمه دیگر مرجح است هرچند به دلیل قدیمی بودنش احتمالاً اندک عبارات و اصطلاحات مورد استفاده، شاید برای مخاطب امروزی فضای مجازی زده جذاب نیاید. نویسنده دُن آرام در سال ۱۹۶۵ برنده جایزه نوبل شد.



## جدال اسطوره و تکنولوژی

**پونه فضائی:** پرل باک اولین زن داستان‌نویس آمریکایی بود که موفق به کسب جایزه نوبل شد. او در سال ۱۸۹۲ یعنی وقتی فقط سه ماه داشت، همراه خانواده‌اش که از مبلغین مذهبی مسیحی بودند به چین سفر کرد؛ سفری که قریب به ۴۰ سال طول کشید. داشتن مادری باسواد و ادیب، زندگی پرمآجرا و سفرهای متعدد قریحه نویسندگی را در او شکوفا کرد. اولین کتابش را در ۲۷ سالگی نوشت و در سال ۱۹۳۸ نوبل ادبیات را به خاطر کتاب «خاک خوب» دریافت کرد. کشور چین و مردمش در بیشتر کتاب‌های او موضوع اصلی هستند.

«نسل ازدها»، کتابی که نخستین بار در سال ۱۳۵۱ به فارسی ترجمه شد، روایتگر زندگی خانواده مردی به نام لینگ‌تان در زمان حمله

ژاپن به چین و اشغال این کشور در خلال جنگ جهانی دوم است. خانواده کشاورزی که به دور از هیاهوی جهان متمدن در گوشه‌ای دورافتاده به زندگی آرام خود مشغول بوده است، آرامشی ظاهری که در درون خود حامل بذر اختلافاتی است که با تغییر شرایط خود را نشان می‌دهند. سایه سیاه جنگ و تجاوز دشمن مشکلات میان افراد و تفاوت نسل‌ها را آشکار می‌کند. نویسنده به‌واسطه آشنایی کافی با زندگی مردم و فرهنگ کشور چین به خوبی وارد جزئیات می‌شود و توصیفات دقیق او خواننده را در فراز و نشیب اتفاقات، با قهرمانان داستان همراه می‌سازد.

انتخاب نام کتاب نیز هوشمندانه است. ازدها برخلاف چهره پلیدی که در برخی فرهنگ‌ها دارد، در جوامع شرقی به‌خصوص در کشور چین جانوری مقدس و نماد قدرت و فرمانروای باران و آب‌ها قلمداد می‌شود. این موجود افسانه‌ای به قدری با فرهنگ این کشور آمیخته

است که چینی‌ها خود را فرزندان ازدها می‌نامند. این کتاب حکایت نسلی از مردمان است که به‌رغم مورد هجوم قرار گرفتن و مبارزه با دشمن همواره مانند ازدهایی قدرتمند برمی‌خیزند. پرل باک در حالی در سال ۱۹۷۳ از دنیا رفت که چینی‌ها او را نه نویسنده‌ای آمریکایی بلکه هم‌وطن خود می‌دانستند.

